هو العلیم

کیفیت و آداب عزاداری سید و سالار شهیدان حضرت أباعبداللَه الحسین علیه السلام

برگرفته از «جلسات شرح حدیث عنوان بصری»

حضرت آیت‌الله حاج سید محمدمحسن حسینی طهرانی

قدّس اللّه سرّه

بسم اللَه الرحمن الرحیم

نیت افراد از شرکت در مجالس سیدالشهداء

در ایام محرم و صفر بطور کلی دأب و دیدَن عرفای الهی و عرفاء باللَه و اولیاء الهی نه بر بزرگداشت این مسالهٔ محرم و صفر و نه بر احیاء شعائر بوده، بلکه نظر عرفاء الهی بر مساله سیدالشهداء نظر، نظرِ غنیمت بود! یعنی چی؟ یعنی همانطوری که در ماه رجب خدا سفره‌ای را گسترده، در ماه رمضان سفره‌ای را گسترده و دعوت کرده، این قضیهٔ سیدالشهداء هم یک مساله‌ای بود که باید افراد بیایند و بقاپند و توشهٔ خودشان را بگیرند و آن تحول و دگرگونی که در اوقات عادی برای انسان پیدا نمی‌شود در این زمان آن را بدست بیاورند، خیلی عجیب است! این قضیهٔ سیدالشهداء مسالهٔ عادیی نیست و به عنوان یک کار روزمره و عادت و مثلا احیاء شعائر انسان نباید به آن نگاه کند، باید خودش را در این قضیهٔ عاشورا بیاندازد، باید خودش را در این مساله قرار بدهد، آن مقداری که می‌تواند،

هر چقدر فکرش می‌رسد، هر چقدر از نظر باطنی می‌تواند در این مساله مایه بگذارد، به عنوان اینکه در روضهٔ سیدالشهداء شرکت کنم ثواب ببرم نرویم! ثواب به ما می‌دهند ولی کم می‌دهند! بعنوان اینکه بالاخره این شعائر حفظ بشود به این منوال نرویم! خوب است ولی مال عوام است! به این عنوان که در این مجلس امام حسین علیه السلام حال آدم عوض می‌شود و حال و هوا فرق می‌کند نرویم! بلکه به این عنوان برویم که ما در این مجلس می‌خواهیم خودمان را در کنار سیدالشهداء قرار بدهیم، اصلا ما می‌خواهیم بشویم جزو آن افرادی که آن شب، شب عاشورا ماندند زیر خیمه!! ما خودمان با این نیت برویم. نه با این نیت که یک مجلسی بپا کردیم! نه با این نیت که برویم ثواب ببریم! احیاء شعائر بشود! همهٔ این مطالب درست است، ائمه علیهم‌السلام فرمودند: باید ذکر ما حفظ بشود. ولی چطوری ذکر، حفظ می شود با تغییر حال تو ذکر ما حفظ می‌شود، نه با داد و بیداد کردن.

وظائف شیعه درماه محرم و صفر

شیعیان باید در ایام محرّم و صفر خود را عزادار نشان بدهند، در همهٔ منازل باید وضعیت منزل را به نحوی دربیاوریم که مسئله محرّم مشخص بشود، ،و باید آثار عزاء و آثار مصیبت اهل بیت مشخص باشد، در منزل شعائر سیدالشهداء را باید به پا بداریم . زدن سیاهی‌ها و پرچم سیاه و کتیبه‌های سیاه، باید باشد تا نشان بدهد که شیعهٔ امیرالمؤمنین در این ایام وضعیتش فرق می‌کند نمی‌گوییم تمام منزل را سیاه‌پوش کنید، که بچه‌ها بترسند، که آن هم غلط است هر چیزی حدی دارد ولی به این مقدار که نشان بدهد که این مساله و موقعیت فرق می‌کند و حال و هوای منزل هم تغییر خواهد کرد و سعی بشود که از اشعار و اذکار و نوشته‌ها و بیانات خود سیدالشهداء باشد از رنگارنگی و رنگ‌آمیزی و... پرهیز کنید، ، یک کتیبه‌هایی هم اخیرا درآمده که اصلا هیچ تناسبی با مصیبت و اینها ندارد هزارجور رنگ است، نه! اینها هم چندان لطفی ندارد و بلکه اصلا شاید خودش یک رادعی باشد و ذهن را متوجه خود کند، نه! خیلی ساده و خیلی تمیز و مرتب باشد باید از اول محرم که می‌شود تا آخر صفر دیگر آجیل و

شیرینی در منزل وجود نداشته باشد، اگر مهمان می‌آید فقط میوه بیاورند و اینها را برای بعد از ماه صفر قرار بدهند اگر هدیه‌ای می‌خواهید ببرید اشکال ندارد، به دیدن رفیق می‌خواهید بروید هدیه ببرید چه اشکال دارد ولی گز و شیرینی و سایر این چیزها بردن صحیح نیست.

شدت عشق و اتصال قلبی مرحوم علامهٔ طهرانی با اهل بیت علیهم السلام

یادم است یک روز در ایام شهادت حضرت صدیقهٔ کبری سلام اللَه علیها بود در مشهد یک نفر از افراد (البته از دوستان نبود باصطلاح از افراد بود) آمد برای دیدن مرحود والد در آنجا با خودش گز آورده بود این طوری که یادم هست و داده بود به یکی از دوستان که درهمان بیرونی در منزل بود. وقتی مرحوم آقا آمدند و گز را به ایشان دادند مرحوم آقا به همان شخص گفتند که ببر جایی که هست منزلی که هست ببر و برگردان و بگو که امروز روز شهادت حضرت زهرا بود و شما برای ما گز آورده اید و من دیگر از شما هیچ هدیه‌ای را قبول نخواهم

کرد. البته شاید یک مسائل دیگری هم بوده است. خود ایشان هم توصیه می‌کردند وقتی ایام محرم و صفر هست نباید انسان اظهار شادی بکند برگزاری مجالس عقد اشکال ندارد عقد همیشه و در همه جا مطلوب است و به عنوان سنت پیامبر است حتی شب عاشورا هم انسان می‌تواند عقد بخواند عقد خواندن خیلی هم ثواب دارد و مستحب است، منتهی حالا که ایام شهادت امام حسین است عقد نباید همراه با این ظواهر ایام سرور باشد، گز و نقل اینها نباید گذاشته بشود بجایش میوه گذاشته بشود چه اشکالی دارد هیچ مسئله‌ای نیست و ایرادی ندارد شرکت در مجالس عزا در ایام محرم و صفر بسیار بسیار تأکید شده و بزرگان به این مسئله خیلی تأکید می‌کردند و کلامی را که ما از مرحوم آقا به یاد داریم در این مسئله این است که سالک بدون توسل به سیدالشهدا به مقصد نخواهد رسید. این رعایت است و تمام کسانی که برای آنها فتح باب شده است از طریق توسل به سیدالشهدا بوده است.

در روضه امام حسین علیه السلام باید با وضو وارد شده و تمیز ترین لباسهای خود را بپوشیم

بسیار محترم و بسیار معزز است کسی که وارد مجلس روضهٔ امام حسین می‌شود با وضو وارد بشود، بهترین لباس را بپوشد حمام برود و خود را تنظیف کند و با لباس تمیز بیاید، نه لباسی که موجب آزار و اذیت دیگران است باید با لباس تمیزی که همان روز یا روز قبل آن لباس شسته شده است باید بیاید و در روضه شرکت کند .

تاثیری که در مجالس امام حسین علیه السلام در بین الطلوعین وجود دارد ،در زمانهای دیگر بسیار کمتر است

در مجالس بهترین وقت در ایام عاشورا صبح است بین الطلوعین، مرحوم آقا همیشه می‌فرمودند: آن فیضی که در بین الطلوعین به عزاداران اهل بیت یا حتی به مجالس شادی و مجالس موالید اهل بیت، می‌رسد در سایر اوقات نیست؛ کمتر است. و ما مقصودمان این است که ادراکِ در مجلس بیشتر باشد و چون بین الطلوعین بهترین اوقات است؛ اقتضای شرکت در مجالس این است که در بین الطلوعین باشد. در بعد از ظهر و در شب هم اشکال ندارد، ولی

این را رفقا بدانند آن تاثیری که جلسات در بین‌الطلوعین دارد آن تاثیر در اوقات دیگر کمتر است نمی‌گوییم نیست و نمی‌گویم که در ساعات دیگر مثل شب یا عصر جلسه نباشد، نه، اشکال ندارد، جلسه باشد هیچ اشکالی ندارد و خب کسانی ممکن است نتوانند صبح بروند شب یا عصری یک جلسه پیدا می‌کنند مثلا تکیه‌ای در آنجا هست احساس خلوصی می‌کنند بالاخره اسم سیدالشهداء است، می‌روند. ولی مرحوم آقا می‌فرمودند قدر جلسات صبح و بین‌الطلوعین را بدانید آن تأثیر در جلسه بین‌الطلوعین تاثیرش بسیار بسیار بالاتر است و خصوصا اینکه انسان متوجه بشود، رزقی را که ملائکه در آن روز برای انسان رزق معنوی می‌نویسند در بین الطلوعین است.

مرحوم آقای حداد به ما می‌فرمودند: که روزی معنوی هر روز را ملائکه در بین‌الطلوعین می‌نویسند، لذا وقتی می‌گویند بین‌الطلوعین بیدار باشید برای این است. کسی که بین‌الطلوعین خواب است آن روز رزق ندارد نماز می‌خواند بدون رزق، قران هم اگر بخواند رزق ندارد، فایده‌ای ندارد

می‌شود خالی، ولی بین الطلوعین اگر بیدار باشد، بین الطلوعین متوجه باشد، نماز آن روزش فرق می‌کند دعایش فرق می‌کند، زیارتش فرق می‌کند اینها همه چی؟ اینها همه تفاوتها هستند.

تاکید بزرگان بر خواندن زیارت عاشورا در دهه اول محرم

من حالِ مرحوم والد و بزرگان را می‌دیدم که همین‌هایی که نوشتند و می‌گویند این اولیاء خدا ارتباطی با ائمه ندارند بیایند این را از من بشنوند هر روز دههِ عاشورا مرحوم آقای حداد به افراد می‌گفتند: که بعد از نماز صبح زیارت عاشورا بخوانید ، حالِ مرحوم حداد را که من می دیدم در موقع نماز و در موقع تشهد، چون ایشان هر روز بعداز نماز صبح سورهٔ یاسین را می‌خواندند، بعد تعقیبات و سجاده‌شان را جمع می‌کردند هر روز سورهٔ یاسین را می‌خواندند حالشان در موقع نماز و در موقع قرائت سورهٔ یاسین یک جوری بود ولی وقتی که زیارت عاشورا خوانده می‌شد ما می‌دیدیم یک جور دیگر شده، ایشان خودش را واقعا در کربلا

می‌گذاشت، در آن واقعه قرار می‌داد معلوم بود، از وَجَنات معلوم بود، نه اینکه فقط گریه بکند و ناراحتی و... مرحوم آقا در روح مجرد این مسائل را ذکر کردند، ما احساس می‌کردیم الان خودش را در کنار سیدالشهداء قرار داده و انگار دارد در حضور حضرت سیدالشهداء علیه السلام زیارت عاشورا خوانده می‌شود.

مرحوم آقا می‌فرمودند که: ما نه تنها این مساله را در آن زمان احساس می‌کردیم بلکه با مرحوم آقای حداد می‌رفتیم برای زیارت سیدالشهداء چند نفر بودیم، می‌رفتیم زیارت، روزها هم می‌رفتیم زیارت، وقتی که می‌رفتیم وارد حرم که می‌شدیم ایشان به یکی از همان افرادی که در آنجا بودند می‌گفتند زیارت‌نامه بخوان ایشان می‌گفتند وقتی که او زیارت‌نامه می‌خواند برای ما حالی دست می‌داد که اگر اشتباهاً در اِعراب، فتحه را ضمه می‌خواند ما قادر بر اینکه درستش را بگوییم نداشتیم، یعنی حالی برای ما پیدا می‌شد که غیر از سیدالشهداء دیگر هیچ نبود، حقیقتی دیگر وجود نداشت!

سید الشهداء علیه السلام در مجالس عزایی که

با اخلاص منعقد شده باشد حضور می‌یابند

اینجور باید برویم به زیارت سیدالشهداء اینجور باید باشیم، این خیلی مساله مسالۀ بالایی است، این که من گفتم خدمتتان بروید در آن فکر کنید، اینجور باید در مجلس سیدالشهداء برویم، سیدالشهداء در مجالس عزایش حضور دارد، البته نه در آنجایی که فقط شعبده‌بازیی و تظاهر است، نه! آنجا نه تنها پایش را نمی‌گذارد بلکه بیزار است از آن مسائل! آن مجلسی که روی اخلاص باشد، آن مجلسی که برای سیدالشهداء برپا بشود نه برای ریا و تظاهر! در مجلس ریا و تظاهر سیدالشهداء و حضرت ابوالفضل پایشان را نمی‌گذارند! ما باید اول اخلاصمان را درست کنیم، صفای خودمان را درست کنیم، خودمان را با این وضعیت بسنجیم، با این موقعیت بسنجیم، آن وقت (حضور امام را در مجلس احساس خواهیم کرد)

بجای داد و فریاد زدن در مجالس امام حسین علیه السلام بیاییم به مفاهیم رفیع عاشورا گوش دهیم وعمل کنیم

وقتی که روضهٔ سیدالشهداء گوش می‌دهیم برویم در مغزش که قضیه چیست ؟ آیا ما هم بودیم همین کار را می‌کردیم؟ آیا اگر ما هم آنجا بودیم در همین وضعیت بودیم؟ یا اگر خودمان را در آن حدود نمی‌بینیم از حضرت تقاضا کنیم، درخواست کنیم، دعا کنیم، طلب کنیم، که از ما دستگیری کند، دست ما را بگیرد، به جای داد زدن! و بیداد زدن! و نعره‌کشیدن! به جای آن به مفاهیم روضه‌ای که گفته می‌شود و مطالبی که گفته می‌شود گوش بدهیم! اگر گریه‌ای بر ما می‌آید گریه را بکنیم جلوی گریه را نگیریم، باید گریه بشود ولی داد زدن چرا؟ فیلم بازی‌کردن چرا؟ مجلس را از آن حال و هوا انداختن چرا؟ امام صادق علیه‌السلام که می‌فرماید خدایا به این ناله‌ها و فریادهایی که در عزای مصیبت ماست رحم کن! نه فریاد تصنعی و تظاهر و نشان دادن به این و آن! که ببین من چقدر داد می‌کشم! آن فریادی که بی‌اختیار از دل برآید! بله! خب آن چه اشکال دارد! آن ناله‌ای که بی‌اختیار از دل دربیاید! نه! خودم داد بزنم که سقف بیاید پائین! نه! آن فایده ندارد! آن حالِ مجلس را می‌گیرد! صفای مجلس را می‌گیرد!

روحانیت مجلس را می‌گیرد و تبدیل به یک تظاهر و یک صحنه می‌کند!

ذکر اموری که رعایت انها توسط افراد در مجالس عزاداری لازم می باشد

پس بنابراین روضهٔ سیدالشهداء باید روضهٔ با فهم و با ادراک باشد این جلسات روضه نباید در آنها اختلاف باشد بعضی‌ها هستند در جلسات دو قسم می نشینند، یک عدهٔ خاصی دور مجلس می‌نشینند ، یک عده هم وسط، آنها بلند می‌شوند سینه می‌زنند اینها همینطوری نشسته اند، جلسهٔ امام حسین بایدیکنواخت باشد، اگر همه هستند همهٔ افراد بیایند، چه اشکال دارد آنها هم پیش شما بنشینند، چه اشکال دارد همه یک جور بنشینند، مگر اینها خونشان فرق می‌کند، اگر همه برای روضه بلند می‌شوند، همه باید بلند شوند، نه اینکه یک عده بلند شوند یک عده بنشینند، این دو قسم کردن اهانت به مجلس سیدالشهداء است، این صحیح نیست همه روی زمین باید بنشینند یا همه باید موقع سینه زدن بلند شوند و اگر کسی معمم است بیاید بنشیند، الان

در همین جلسه که ما داریم فضلا و بزرگان، این را شما نگاه بکنید اینها اینقدری که در وسط این مجلس نشسته اند، در دور ننشسته اند، مرحوم آقا می‌فرمودند: فرق بین مجلس ما و مجلس بقیه این است که در این مجلس بین معمم و غیرمعمم فرقی نیست، جا بود می‌نشینند نبود وسط می‌نشینند، ما با ایشان می‌رفتیم در مجالس ختم یک دفعه خودم یادم است رفتیم مجلس ختم آقای حکیم در بازار تهران همان مسجد جامع (نمی‌دانم) رفتیم در آنجا، وقتی که وارد شدیم جا نبود، ایشان رفتند وسط ما دو نفر معمم پدر و پسر رفتیم آن وسط نشستیم، یک نفر از آن آقایان هم نگفت بفرمائید، ایشان نشستند و بعد هم بلند شدیم رفتیم، درست شد؟ خب حالا بنده به من بربخورد!؟ حتما باید بیایم کنار و بایستم و اینقدر صبر کنم تا اینکه جمع بشوند مچاله بشوند و برای ما جا باز کنند، این حرفها را نداریم اینها چیست؟ اینها از حال آدم می‌گیرد از آن نیت آدم می‌گیرد، از آن مرتبه‌ای که باید در آن مرتبه باشد کم می‌کند، می‌آورد پائین تبدیل به یک حرکات ظاهر می‌کند، تبدیل به عادت می‌کند و تبدیل به یک حرکات ظاهر

و نمایشی می کند.

بلند کردن صدا در عزاداری ها حرام است و هیچ فرقی بین مسائل مذهبی و امور دنیوی در این موارد نیست

انسان از آنجایی که تابع احساسات است و از قوای ابدی خود کمتر بهره می گیرد در ارتباطات خود بیشتر توجه به احساسات دارد حتی در مورد عبادات و اطاعت از پروردگار بیشتر به دنبال امور احساسی می گردد می خواهد روضهٔ امام حسین برود، ذکر مصیبت سیدالشهدا را می خواهد گوش کند، در خیابان که حرکت می کنیم می بینیم هر هیئتی که بزرگتر است و چراغانی بیشتری دارد و صدای منبریَش و بلندگویش تا چند تا محله می رود که کار حرامی است در آن شرکت می کنیم، زیاد کردن صدای بلند گو حرام است در صورتی که در همسایگی انسان، مریضی باشد، بیماری باشد، افرادی باشد که اینها نمی توانند صدای بلند را تحمل کنند تاثیری بگذارد، دیگر فرقی نمی کند، چه برنامه چهار شنبه سوری (که این از یک فرهنگ یک قوم

وحشی فقط می تواند نشات بگیرد و نه افراد مسلمانی که این همه رسول خدا راجع به رعایت مردم و حفظ امنیت روحی و روانی مردم و رعایت امور همسایگان و عدم ایذاء به همنوعان ما دستور داده اند،) فرقی نمی کند اگر در شب یک واعظی از بلندگوی مسجدش صدا را بلند کند به نحوی که موجب اذیت همسایگان بشود این حرام است حالا می خواهد در آن موسیقی زده بشود که حرام است یا می خواهد در آن اسم خدا و پیغمبر و امام باشد هر دو حرام است حرام، حرام است! مسجد، حسینیه اینها نباید موجب ایذاء دیگران بشود . صدا باید به میزان مناسب در محدودهٔ خود افراد حاضرین در آن مکان باشد زیبا باشد و از کیفیت بسیار خوب و بالا هر چه انسان می تواند بهره بگیرد ایراد ندارد. اذیت مردم، آزار مردم حتی به یک طفل شیر خوار که از سر و صدای یک بلندگوی مسجد و حسینیه از خواب بپرد به همان اندازه متصدیان عمل حرام انجام داده اند!

در عزاداری ها نباید به ظواهر و عناوین هیئات و وعاظ و مساجد اعتناء نمود بلکه اصل روح

و خلوص حاکم بر آن مجلس است

درست شد خب حالا انسان چکار می کند انسان بلند می شود می رود هر جا که می بیند طُمطراقش بیشتر است چراغانیش بیشتر است پرچم بیشتر زده شده واعظ و خطیبی در آنجاست که خیلی مسلسل وار و پشت سر هم مطالب را شمرده شمرده و بلیغ می گوید در آن مجلس شرکت می کند. اما اگر برود یک جا ببیند که یک تکیه ای است (در همین ایام عاشورا ندیدید توی خیابانها تکیه درست می کنند) تکیهٔ کوچک و محقری است یک چند نفر نشسته اند یکی دارد صحبت می کند اصلا نگاهش هم نمی کنید!!! وقتی ایام عاشورا آدم می آید برای نگاه کردن و مشارکت با عزاداری هر گروه و هیئت و دسته ای که از همه طولانی تر است و پرچم های بسیار دارد و با ابهت و جلال به خصوص و با زدن ساز و نی و طبل و از این حرفها که همه اینها حرام در حرام در حرام است و متاسفانه بین ما ایرانیان نصب شده است، همین علامتی که جلوی دسته ها حرکت می دهند این علامت علامت صلیب است، صلیب نصارا

را ما آوردیم گذاشتیم در دستجات سیدالشهدا بدون اینکه اصلا خودمان متوجه بشویم و ببینیم که چکار داریم می کنیم این علامت ها مال رم و فرانسه بوده آنجا در جلوی دستجاتشان که برای جنگ حرکت می کردند جلوی لشگر یک همچنین علامتی را حرکت می دادند که همین کروات فعلی همان صلیب است منتها آن را قبلا به کمر می بستند حالا آن را به گردن آویزان می کنند لذا کروات به خاطر صلیب بودنش حرام است والا یک تکه پارچه که حلال و حرام ندارد این را در جلوی لشگر حرکت می دادند حالا ما همان را آوردیم جلوی دستهٔ سینه زنی امام حسین داریم حرکت می دهیم تمام اینها حرام است! زدن ساز و نی و طبل حرام است! موسیقی حرام است! بلند کردن صدا به نحوی که موجب اذیت و آزار همسایگان بشود حرام است! ما به خاطر یک امر مستحب هزار تا امر حرام را یکی پس از دیگری انجام می دهیم امام حسین هم عزت و شوکتش به این نیست که با این یال و کوپال و این مطالب ما برایش عزاداری کنیم

کیفیت بیرون آمدن دستجات عزاداری

دستجات باید بیرون بیایند ، سینه‌زنی و زنجیر زدن اشکال ندارد، اینها بیایند یا اینکه اصلا نه سینه بزنند! نه زنجیر! حرکت بکنند و در اینجا شعارهایی بدهند و شعارهای مُحیی بدهند، شعارهای واقعی بدهند نه شعارهایی که اینها چندان معنا ندارد، نوحه‌هایی که خوانده می‌شود، نوحه‌هایی باشد که هدف حضرت را بیان کند، مکتب حضرت را بخواهد بیان کند، زیر و رو کند انسان را، حال و هوای انسان را عوض بکند، اینها باید گفته بشود، نه اینکه زینب بی‌چادر آمد بیرون... این حرفها چیست؟ این نوحه‌ها چیست؟ نوحه‌هایی باید گفته بشود که آن شخصیت حضرت و مکتب حضرت و مرام حضرت، را بیان بکند و چه خوب است که آن کلماتی که از آن حضرت در تابلوها است همان‌ها تبدیل به نوحه بشود و تبدیل به شعار بشود. اگر انسان بخواهد در این تظاهرات به عزاداری سیدالشهداء در این مرتبه بماند، مانده و نیامده بالا، خودش را در آنجا قفل کرده خودش را در همان‌جا بسته، ولی اگر نه، این مطالب را کنار بگذارد، بداند

که کلمات بزرگان و کلمات ائمه، مثل کلمات ما نیست، صحبت ائمه مثل صحبت ما نیست، آن از نفس قدسی تنازل پیدا کرده و در نفس امام قرار گرفته، آن صحبت را در اختیار ما گذاشته اند حالا همان را انسان بیاید تبدیل به شعار کند چقدر فرق است تا اینکه بیاید از جملات بیهوده و جملات در سطح پایین و بیشتر احساسی تا عقلانی و فهمی و ادراکی بیایید این مسائل را مطرح کند.

ذاکرین اهل بیت باید سخنان ،رفتار و ظرائف افعال امام حسین را بیان کنند نه اینکه تنها اکتفا کنند به بیان مصائب حضرت

آن کسی که ذاکر است باید برود آن حال و هوای سیدالشهداء را بگوید، صحبت‌هایی که در آن قضیه شده، نه فقط اینکه زخم خورد و افتاد زمین و... نه! این فایده ندارد، مطالبی که گفته شده، اطوار آن حضرت، رفتار آن حضرت، سخنان آن حضرت، ظرائفی که در اینجا وجود دارد، که پرداختن به آن یکی از (مهمترین عوامل) است که انسان را متوجه آن حال و هوا می‌کند، و الّا تیر خورد و شمشیر خورد و افتاد، نهایتش این است دیگر! این که حالات

حضرت چگونه بوده و چه وضعی داشته، این مساله مهم است.

خطیب و مداح نباید هر گونه تعابیری را در صحبت های خود بیان نمایند

بهتر است هر تعبیری را در صحبت‌های خودشان نیاورند، بعضی افراد در روضه تعبیرهایی دارند که شاید نفوس تحمل شنیدن آنرا نداشته باشند، بعضی از روایات برای خود (وعاظ و اهل علم) است که بدانند اما اینکه انسان بخواهد مصیبت را بیان بکند، شاید خیلی از افراد نتوانند تحمل چنین سخنانی را بکنند. چون این واقعه یک قدری مصیبت کوبنده‌ای خواهد بود. آنچه را که قابل گفتن است و آن جنبهٔ تیزی ندارد، باید برای افراد بگویند.

بهتراست اهل علم عین مصیبت های وارده را از کتب مقاتل نقل کنند .در تبلیغ خودشان عین مقاتل را نقل کنند آنچه را که شنیده شده نقل نکنند خیلی از مطالبی را که در روضه‌ها در این طرف و آن طرف بدون اینکه به تاریخ مراجعه کنند نقل می کنند و می‌خوانند یک عده جوان هم می پذیرند و طبعاً

مسائل نادرست را می گویند که حرام است. اگر کاری را که انجام نشده بگوییم حرام است! دروغ! دروغ است! فرقی نمی‌کند، آنچه را که هست باید گفت! نه اینکه به آن اضافه کنیم. اینهایی که می‌آیند با عبارتهای زننده مقام و موقعیت امام (علیه السلام) را در حد یک انسان عادی می خواهند پایین بیاورند، اشعاری که انتخاب می‌کنند اشعار رکیک وسبکی است، اشعاری که در مجالس عزای افراد عادی می خوانند حضرت علی اکبر که بیش از سی سال سن داشت و اینها که می گویند هجده ساله بود همه اش من دراری است و شعرهایی دراورده اند! حضرت علی اکبری که مقام امامت دارد جوری در میان مردم معرفی بکنند تا چند تا جوان خوششان بیاید که این هم یک آدمی بوده که ... تمام ارزش آدم به جمال و زلف و اینها است!!؟ که آدم مانند بقیهٔ اشعاری که معشوقه های خود را تعریف و تمجید می کند حضرت را تمجید کند پس چه فرقی هست؟ کجاست آن مقام ولایت حضرت علی اکبر که در اشعار بیان شود!!! آن مقام علم! آن مقام ولایت! طهارت! آن را برای افراد باید گفت به صرف این که

مردم بیشتر گریه کنند و حالت حزن برایشان پیش آید (انسان مجاز برای گفتن هر مطلب بی ارزشی نیست)